

## ۱.۶. نتیجه گیری

بررسی وضعیت تولید منابع مرجع فارسی در دو حوزه علوم و فناوری در ۲۰ سال اخیر در ایران حاکی از آن است که آمار انتشار منابع مرجع همانند آمار انتشار کتاب بطور کلی، دستخوش نوسانات بوده و از آهنگی یکنواخت پیروی نمی‌کند، بلکه طی سالهای مختلف افت و خیزهایی داشته است. اگر چه در سالهای اخیر شاهد تولید بیشتر منابع مرجع هستیم، اما توسعه منظم و صعودی در روند انتشار منابع دیده نمی‌شود. وضعیت انتشارات بطور کلی با توجه به رشد جمعیت نیازمند اطلاعات در ایران رضایت بخش نبوده و با وجود آنکه در سالهای اخیر تولید کتاب افزایش یافته، اما نسبت به جمعیت ایران، رقم قابل ملاحظه‌ای نیست. به عنوان مثال، در سال ۱۳۷۴ طبق آمار ارائه شده در سالنامه یونسکو تعداد ۹۷۱۶ عنوان کتاب منتشر شده است که با توجه به جمعیت ایران (۶۰ میلیون نفر) رقم بسیار ناچیزی می‌باشد. حال آنکه در کشوری مانند کانادا با جمعیتی کمتر از ۳۰ میلیون نفر، ۲۱۷۰۱ عنوان کتاب منتشر شده است (آذرننگ، ۱۳۷۸: ۶).

با نگاهی به جدول ۱ (ص. ۵۳)، مشاهده می‌شود که وضعیت انتشار منابع مرجع نسبت به کل انتشارات در دو حوزه موضوعی علوم و فناوری چندان چشمگیر نیست که البته آمار انتشار کتابهای مرجع فناوری در مقایسه با علوم از کمیت بیشتری برخوردار است. با نظری کلی به نتایج حاصل از پژوهش فعلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اگرچه میزان انتشار کتابها در حوزه علوم، طی سالهای مختلف روندی صعودی داشته، اما انتشار منابع مرجع همپای آن نبوده و از رشد نسبتاً کندی برخوردار بوده است. در حوزه فناوری این

نسبت برعکس می‌باشد. به عبارت دیگر، میزان تولید منابع مرجع در زمینه فناوری رشد بیشتری نسبت به منابع مرجع حوزه علوم دارد. در سالهای ۶۱ تا ۶۴، درصد انتشار منابع مرجع نسبت به کل انتشارات در دو حوزه بیشتر بوده است. در آن سالها مهار انتشار کتاب زیاد بود و ناشران از طریق نشر کتابهای «چگونه فلان کار را انجام دهیم» به کار خود ادامه دادند. به طور کلی، در ۲۰ سال اخیر رشد منابع مرجع در حوزه علوم ۳ درصد و در حوزه فناوری ۶ درصد بوده است.

- در توزیع موضوعی کتابهای مرجع فارسی در حوزه‌های علوم و فناوری نسبتهای متفاوتی مشاهده می‌شود. در برخی از رشته‌های حوزه علوم مانند رشته ریاضیات، رشته شیمی و علوم (کلیات) بیشترین فعالیت در انتشار منابع مرجع دیده می‌شود و در رشته فیزیولوژی منابع کمی منتشر شده است.

در توزیع موضوعی منابع مرجع حوزه فناوری نیز تفاوت دیده می‌شود و رشته‌های مهندسی عمومی، مهندسی برق و فناوری (کلیات) بیشترین تولید و رشته مهندسی راه آهن کمترین تولید را در منابع مرجع داشته‌است که این امر نشانگر میزان فعالیت در رشته‌های مربوطه می‌باشد.

- در حوزه علوم، در میان انواع مراجع ردیف اول، واژه‌نامه‌ها با ۴۱/۵۱ درصد بالاترین فراوانی نسبی و سالنامه‌ها و استانداردها به ترتیب با ۰/۴۷ درصد و ۰/۹۴ درصد پایین‌ترین درصد فراوانی نسبی را دربردارد. در زمینه مراجع ردیف دوم نیز کمبود فاحشی وجود دارد و منابع آن علاوه بر پایین بودن تعداد و نیز کمی تنوع منابع از روزآمدی لازم برخوردار نیست. در حوزه فناوری ابتدا دستنامه‌ها با ۳۷/۲۱ درصد و سپس واژه‌نامه‌ها با ۳۳/۲۲ درصد بیشترین میزان انتشار و سالنامه‌ها با ۰/۳۳ درصد، پایین‌ترین انتشار را در مراجع ردیف اول دارد. نمایه‌نامه‌ها و چکیده‌نامه‌ها نیز در میان مراجع ردیف دوم درصد پایینی را دارا می‌باشد (۱/۶۶٪). مقایسه منابع دو حوزه حاکی از آن است که حوزه فناوری در زمینه مراجع ردیف دوم از کمیت بیشتری برخوردار است. همچنین، در میان مراجع ردیف اول میزان تولید واژه‌نامه‌ها و دستنامه‌ها در حوزه فناوری بیشتر از حوزه علوم می‌باشد.



- در رشته‌های مختلف حوزه علوم وضع موجود عبارت است از: فقدان انواع منابع مرجع ردیف اول و ردیف دوم در برخی رشته‌ها مانند فیزیولوژی و باکتری‌شناسی؛ فقدان دستنامه در رشته اخترشناسی، فقدان دایرةالمعارف تخصصی در رشته‌های مختلف بجز شیمی و علوم (کلیات)؛ فقدان منابع راهنما در رشته فیزیک، زمین‌شناسی، علوم طبیعی؛ عدم وجود منابع سرگذشتنامه‌ای در رشته‌های اخترشناسی، زمین‌شناسی، علوم طبیعی، گیاه‌شناسی و جانورشناسی؛ انتشار کم کتاب‌شناسی‌های روزآمد در کلیه رشته‌ها و فقدان آن در رشته‌های گیاه‌شناسی و جانورشناسی؛ و انتشار کم نمایه‌نامه‌ها و چکیده‌نامه‌ها بطور کلی در رشته‌های علوم کاملاً مشهود است.

- در رشته‌های مختلف حوزه فناوری، وضع موجود عبارت است از: فقدان واژه‌نامه‌های تخصصی در رشته‌های مهندسی شاهراه و مهندسی پل، انتشار کم دایرةالمعارفها، فقدان دستنامه‌ها در رشته مهندسی راه‌آهن و مهندسی معدن، نبود سرگذشتنامه در کلیه رشته‌های فناوری، انتشار کم نمایه‌نامه‌ها و چکیده‌نامه‌ها در حوزه فناوری و فقدان کتاب‌شناسیها در رشته‌های مهندسی شاهراه، مهندسی راه‌آهن، مهندسی پل، مهندسی خدمات شهری، مهندسی مکانیک، هوانوردی، کالاهای صنعتی، فناوری شیمی و عکاسی.

- بطور کلی تعداد کمی از منابع به ویرایش‌های بعدی رسیده‌است. بیشترین ویرایش در زمینه واژه‌نامه‌ها و دستنامه‌ها صورت گرفته است. نیاز به تهیه ویرایش‌های جدید از منابع ردیف دوم در دو حوزه کاملاً مشهود است.

- بیشترین منابعی که تجدید چاپ شده‌است، واژه‌نامه‌ها و دستنامه‌ها بوده‌است. بطوری که برخی از آنها حتی به چاپ دهم نیز رسیده‌است. این نوع مراجع خوانندگان و کاربردهای زیادی دارند، به همین دلیل بیشتر چاپ می‌شود.

- اکثر منابع مرجع تولید شده در دو حوزه از نظر ماهیت خلق آنها از نوع گردآوری است. این نوع از آثار به ویژه در رشته فیزیک بیشتر از سایر رشته‌هاست و در حوزه فناوری بیشترین منابع گردآوری

در رشته مهندسی عمومی است. در حوزه علوم میزان منابع تألیفی و ترجمه‌ای تقریباً در یک سطح قرار دارد و همپای هم رشد کرده‌است. اما در حوزه فناوری میزان منابع ترجمه‌ای بیشتر از منابع تألیفی است که این مسأله وابستگی این حوزه را به منابع خارجی نشان می‌دهد.

- در میان ناشران مختلف، فعالیت ناشران خصوصی در هر دو حوزه علوم و فناوری بیشتر از ناشران دانشگاهی و دولتی است. در حوزه علوم، فعالیت ناشران دانشگاهی تقریباً دو برابر ناشران دولتی می‌باشد. برعکس، در حوزه فناوری ناشران دولتی فعالیت بیشتری نسبت به ناشران دانشگاهی داشته‌اند.

- در میان انواع مراجع ردیف اول، ناشران دولتی بیشترین سهم را در تولید راهنماها داشته‌است. در میان مراجع ردیف دوم دو حوزه، بیشترین فعالیت را ناشران دولتی در انتشار منابع به عهده داشته‌است.

نکات ذکر شده در بالا نشان‌دهنده وجود پراکندگی در تولید مراجع در رشته‌های مختلف، پراکندگی در ویرایشها و نوبت چاپ و نیز ناشران است که می‌تواند به نوعی نبود سیاست و خط‌مشی انتشاراتی خاص در تولید این منابع را آشکار سازد.

ساده‌ترین پیامی که این مطالعه به جامعه علمی می‌دهد این است که جامعه علمی در ایران در دو حوزه علوم و فناوری تا آنجا که به کتابهای مرجع مربوط است، در مرحله لغت‌آموزی از طریق واژه‌نامه‌ها و دست‌بالا، در مرحله یاری‌رسانی به حافظه از طریق دستنامه‌هاست و نه در مرحله درک تاریخی این دو موضوع از طریق دایرةالمعارفها و زندگینامه‌ها و درک مقطعی این دو حوزه از طریق مراجعه به مقاله‌ها و بازنگری سالنامه‌ها و راهنماها و استانداردها. این یافته، هشدار است به جامعه علمی، افراد، سازمانها، سیاستگذاران علمی کشور و نشانی است از این که کمیت انتشار را برابر با کیفیت تلقی نکنند. دایرةالمعارفها، همیشه آینه تمام‌نمای چند و چون علم و معرفت در هر کشوری است. هنگامی که پس از ۲۰ سال دست یافتن به استقلال سیاسی، هنوز برنامه‌ای برای



نگارش دایرةالمعارف ایران تدوین نشده‌است، چگونه می‌توانیم متوقع باشیم که دایرةالمعارف علوم و فناوری داشته باشیم.

دومین پیامی که از این تحقیق برمی‌آید این است که اکثر کتابهای مرجع فارسی توسط یک فرد گردآوری، ترجمه و یا تألیف شده‌است. ناگفته پیداست که در این دوران نمی‌توان کسی را یافت که به بیش از یک یا دو بخش از یک یا دو موضوع تسلط داشته‌باشد. براین اساس، تقریباً همه کتابهای مرجعی که شخصی واحد آنها را گردآوری یا تألیف کرده‌است از اعتبار علمی قابل اتکاء برخوردار نیستند.

سومین نکته قابل توجه از یافته‌های این تحقیق کهنه بودن محتوای کتابهای مرجع است. چون محتوای کتابهای مرجع مرتباً دستخوش تحول است، انتشار ویرایش روزآمد هر کتاب مرجع، یکی از مهمترین معیارهای کیفیت محتوایی تلقی می‌شود. اما همانگونه که در این بررسی مشخص شد، تعداد بسیار اندکی از کتابهای مرجع در هر دو حوزه تجدید ویرایش شده‌است. یادآور می‌شود که مهمترین دایرةالمعارفهای دنیا نیز که هر ۵ تا ۱۰ سال یکبار تجدید ویرایش می‌شود، همه ساله جلدی ضمیمه منتشر می‌کند تا تغییرات سال را در دایرةالمعارف منظور دارد. عدم درج تحولات سالهای دور و نزدیک گذشته در کتابهای مرجع این دو حوزه را باید ضعیفی برای این کتابها تلقی کرد. بویژه که تغییرات در این دو حوزه بسیار پرشتابتر از سایر رشته‌هاست و روزآمد بودن کتابهای مرجع بیشتر از سایر رشته‌ها ضرورت دارد.

در تعریفی که برای تألیف ارائه شده‌است، بر حضور کوشش ذهنی در تولید نوشته تأکید شد، اما تردیدی نیست که محتوای کتاب مرجع نمی‌تواند تنها از کوشش ذهنی یک فرد شکل گیرد. همیشه اطلاعات مورد نیاز در کتاب مرجع در ذهن دیگری و یا در نوشته دیگری وجود دارد و شخص یا افرادی با کاریدی فراوان و کنکاش فکری کمتر، به تولید کتاب مرجع می‌پردازند. براین اساس، باید جامعه علمی، بویژه مؤلفان و ناشران از به کارگیری واژه «تألیف» در این گونه آثار خودداری کنند. این

موردی است که در تعداد قابل توجهی از کتابهای مرجع مورد بررسی نادیده گرفته شده بود. وظیفه کتابداران است که معنای مشخصی برای هریک از واژه‌ها و یا مفاهیمی که در تولید و نشر کتاب وجود دارد، ارائه دهند. در آن صورت، هم گروه‌بندی کتابها و هم تجزیه و تحلیلها به واقعیات نزدیکتر خواهد شد.

و سرانجام این که، خانواده‌های تحصیل‌کرده و تحصیل‌نکرده ایرانی برای پاسخ‌گویی به کنجکاویهای خویش و یا ساده‌ترین پرسشهای فرزندان خود پیرامون علوم و فناوری دچار مشکل می‌باشند، زیرا هنوز کتابهای مرجع معتبری که بتوانند دانش این دو حوزه را به گونه‌ای فشرده و با بیانی قابل درک ارائه دهد به بازار عرضه نشده است. کتابهای زیادی که در این بررسی در فهرست کتابهای مرجع قرارگرفت، کتابهایی بود که در تعریف علمی کتاب مرجع آن گونه که در کتاب «مبانی مرجع» محمد حسین دیانی آمده است، نیست. مثلاً، مجموعه اطلاعات عمومی با نام دایرةالمعارف منتشر شده است و مجموعه اطلاعاتی که درباره روش انجام کاری مثلاً تعمیر ماشین، چاپ شده است دستنامه تلقی شده‌اند.

یکی از اهداف نانوشته این تحقیق، دستیابی به فهرستی از کتابهای مرجع معتبر در دو حوزه علوم و فناوری برای توصیه به کتابخانه‌های دانشگاهی و عمومی بود. اما بنا به دلایلی که مواردی از آنها در بندهای قبلی آمد، تهیه فهرستی دفاع‌پذیر میسر نشد. در غیاب چنین فهرستی نمی‌توان مجموعه‌ای برخوردار از پشتوانه علمی در انواع کتابخانه‌ها فراهم آورد. پیامد این وضعیت نبود ابزارهای مناسب برای ارائه خدمات مرجع مطلوب در انواع کتابخانه‌هاست.

هرگاه کتابدار مرجع به انواع مهارت‌های مورد نیاز برای پاسخ‌گویی و پاسخ‌یابی مجهز باشد، اما ابزار اصلی پاسخ‌یابی، یعنی کتابهای مرجع مناسب، در اختیار وی نباشد، نمی‌تواند به گونه‌ای مطلوب به وظیفه‌ای که بر عهده وی گذاشته شده است، عمل کند.



## ۲.۶. پیشنهادها

- بررسی وضعیت انتشار در دیگر حوزه‌های موضوعی و مقایسه نتایج حاصله با موضوعهای علوم و فناوری می‌تواند مکمل پژوهش حاضر باشد. به عبارت دیگر، تحقیقات بیشتری لازم است در مورد انتشار منابع مرجع در رشته‌های مختلف انجام گیرد، نیازهای انتشاراتی شناسایی و امکانات و راهنمایی‌هایی برای توسعه صنعت انتشارات در این زمینه فراهم گردد.
- تشویق پدیدآورندگان و ناشران به امر تهیه مراجع معتبر و نیز سیاست‌گذاری و ایجاد خط‌مشی مدون در زمینه انتشار این‌گونه مواد می‌تواند باعث افزایش تولید این‌گونه منابع در کشور شود.
- حمایت و پشتیبانی بیشتر سازمانهای دولتی نسبت به انتشار منابع مرجع و در نظر گرفتن بودجه‌ای برای تهیه این ابزارهای ارزشمند.
- تشویق ناشران دانشگاهی به انتشار منابع مرجع و در نظر گرفتن جایگاهی ویژه برای انتشار آنها در دانشگاهها.
- سیاهه‌برداری کامل و مداوم از منابع مرجع برای شناسایی آندسته از منابعی که نیاز به روزآمد شدن و تقویت بیشتر دارد.
- کمک و پشتیبانی دولت به ناشران خصوصی فعال در تهیه منابع مرجع و ایجاد بازاری برای فروش مراجع، چراکه یکی از عوامل کم‌انتشاری منابع مرجع، عدم اعتماد به بازگشت سرمایه اولیه در انتشار آنهاست. بنابراین، دولت می‌تواند علاوه بر برپایی نمایشگاههای مختلف و قرار دادن غرفه‌هایی در اختیار ناشران منابع مرجع تخصصی، صورتی از دانشگاهها و کتابخانه‌های عمومی تهیه کرده و آنها را به خرید منابع مرجع منتشر شده توسط ناشران ترغیب کند. در نتیجه، کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی مجهز به انواع منابع مرجع مورد نیازشان می‌شود و نیز باعث کمک و دلگرمی برای ناشران خواهد بود.

- تهیه راهنمای جامعی از انواع منابع مرجع فارسی و روزآمد کردن منظم آن. در کشورهای پیشرفته انواع راهنماهای مراجع در زمینه‌های موضوعی مختلف منتشر می‌شود که کمک مؤثری در ارزیابی و نیز انتخاب منابع مرجع به حساب می‌آید. در حالیکه تولید چنین منابعی ضروری است، اما جای این نوع از مراجع در انتشارات کشور ما خالی است.